

بررسی تحلیلی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و ارزیابی تطبیقی آن با یافته‌های جرم‌شناسی و اسناد بین‌المللی حقوق کودک

حمزه صفری زاده

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران جنوب

چکیده

کودکان و نوجوانان به علت شرایط سنی خاص از حساس‌ترین و آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در زمینه‌ی خطرات و آسیب‌های متأثر از جرم و بزه‌کاری هستند که نیازمند مراقبت و حمایت ویژه می‌باشند. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ جامع‌ترین و ارزشمندترین قانونی است که تاکنون در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان تصویب شده است. این قانون ضمن مرتفع نمودن ضعف‌ها و کاستی‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، ابتکارات و نوآوری‌هایی در زمینه‌ی حمایت همه‌جانبه از اطفال و نوجوانان با تقسیم وظایف و دخیل نمودن نهادها و سازمان‌های مختلف، جرم‌انگاری وسیع نسبت به ایجاد وضعیت مخاطره‌آمیز توسط اشخاص مسئول و غیرمسئول به وجود آورده است. در این قانون ضمن تفکیک دوران طفولیت و نوجوانی و افتراقی نمودن پاره‌ای از اقدامات حمایتی برای هر یک از این دو دسته، سعی در تخصیص و متناسب نمودن اقدام بوده است از طرفی با کنکاش و تدقیق در نظریات و یافته‌های علم جرم‌شناسی و همچنین اسناد حقوق بشری مرتبط با حقوق کودک و نوجوان و مقایسه‌ی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با این نظریات و اسناد پی می‌بریم که قانون فوق‌الاشعار در بسیاری از موارد با نظریات و اسناد مذکور تطابق داشته و قابل پذیرش است. ضمن این‌که این قانون در برخی موارد نیز ضعف‌ها و کاستی‌هایی داشته و برای تناظر و تجانس بیشتر با این اسناد و نظریات نیاز به تغییرات و اصلاحات بیشتری است.

واژه‌های کلیدی: اطفال و نوجوانان، یافته‌های جرم‌شناسی، اسناد بین‌المللی حقوق کودک

۱- مقدمه:

کودکان و نوجوانان از اشخاص بی دفاع و نیازمند حمایت ویژه در جامعه می‌باشند. کودکان و نوجوانان به علت عدم تمییز خوب از بد و صره از ناصره و همچنین عدم تشخیص خطرانی که آن‌ها را در جامعه تهدید می‌کند نیاز به مراقبت ویژه دارند. در تمام کشورهایی که در زمینه‌ی قوانین جزایی، واجد قوانین مترقی و پیشرفته هستند، قوانین ویژه و افتراقی برای حمایت از کودکان و نوجوانان پیش‌بینی گردیده است و در سیاست جنایی این کشورها مقررات متنوع و مناسبی نسبت به پیشگیری از بزه دیده و بزه کار شدن اطفال و نوجوانان وجود دارد، این قواعد بسیار کامل و موزون با اسناد حقوق بشری و متشابه با موازین عالی‌هی انسانی است.

در سیاست جنایی ایران نیز سال‌هاست که حقوق دانان و اندیشمندان جرم‌شناسی به دنبال ارائه‌ی راهکاری برای تطابق هرچه بیشتر قوانین کشور با اسناد عالی‌هی حقوق بشری بوده‌اند. قابل ذکر است که بیشترین تلاش حقوق دانان و قانون‌گذاران در سال‌های اخیر برای پیش‌بینی و تعیین نمودن قوانین افتراقی و ویژه برای کودکان و نوجوانان بوده است.

اولین قانون در این زمینه، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ بود که، در ۹ ماده به تصویب رسید. این قانون در زمان خود تا حدودی قانونی رو به جلو و قابل اتکاء بود و می‌شود گفت که نقطه‌ی شروع خوبی برای حمایت از قشر خاص جامعه که نیاز به توجه است، محسوب می‌شد، اگرچه در این قانون به صورت تخصصی و ویژه به حمایت از کودکان و نوجوانان توجه شده بود، اما نواقص فراوانی در بسیاری از زمینه‌ها داشت، که پاسخ‌گوی نیازها و خلا‌های موجود در زمینه‌ی فقدان قانون جامع و کامل در حمایت از کودکان و نوجوانان بزه دیده و در معرض خطر در جامعه، نبود.

لذا با توجه به کاستیها و نواقصی که در قانون فوق برای حمایت همه جانبه و کامل نسبت به اطفال و نوجوانان وجود داشت و ضرورتی که برای همگرایی و تطابق این قانون با نظریات و یافته‌های جدید جرم‌شناسی و همچنین اسناد بین‌المللی حقوق کودک احساس می‌شد، قانونگذار را برآن داشت تا به فکر تدوین قانونی مترقی‌تر از قانون مصوب ۱۳۸۱ و متناسب‌تر با اهداف فوق الذکر، بیفتد. از طرفی با توجه افزایش وقوع جرایمی چون کودک‌آزاری جنسی، افزایش ایجاد وضعیت‌های خطرناک و مخاطرات آمیز در جامعه نسبت به کودکان و نوجوانان و بروز زمینه‌های جدید و متنوع بزه دیده شدن آنها، سوء استفاده از آنها از طریق فضای مجازی، تقنین و قانونگذاری جدید برای حمایت از این اشخاص ضروری بود.

پس از گذشت ۱۸ سال از تصویب قانون حمایت از کودکان و حدود ۷ سال از تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست بالاخره قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ تصویب شد.

با تدقیق و بررسی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۱ متوجه می‌شویم که بسیاری از معایب و کاستی‌ها و وجود خلا‌های قانونی موجود در قوانین سابق کودکان و نوجوانان رفع شده و قانونی جامع‌تر و کامل‌تر برای ممانعت از بروز بزهکاری و همچنین بزه‌دیدگی اطفال مصوب شده است.

هدف از این پژوهش تحلیل، تعمیق و بررسی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، یافتن امتیازات، برجستگیها و معایب آن و از طرفی مقایسه‌ی آن با یافته‌ها و مکشوفات علم جرم‌شناسی و همچنین مطالعه‌ی تطبیقی آن با اسناد بین‌المللی و حقوق بشری حقوق کودک است. تا با این تحلیل و بررسی و ارزیابی، نقاط قوت این قانون تقویت و ضعف و کاستیهای آن مرتفع گردد.

۲- روش تحقیق:

هدف از تحقیق فوق بررسی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و مقایسه‌ی آن با نظریات جرم‌شناسی و اسناد حقوق بشری مرتبط با حقوق کودک و نوجوان است. در این مقاله از روش تحلیلی و توصیفی و گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

۳- ضرورت تحقیق:

اطفال و نوجوانان از آسیب پذیرترین و ضعیف‌ترین اشخاص جامعه هستند که نیاز به توجه خاص و فورس‌ماژور دارند. خطرات و مضراتی مداوماً در جامعه اطفال و نوجوانان را تهدید می‌کند که اگر مراقبت و حمایت لازم و به موقع نسبت به آن‌ها انجام نشود، خسارات جسمی و روانی زینباری را متحمل خواهند شد.

قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۸۱ شروعی خوب برای تصویب قانون افتراقی برای حمایت از کودکان بود. متعاقب آن نیز آیین‌نامه‌ی سامان‌دهی کودکان کار و خیابان مصوب هیأت وزیران در سال ۱۳۸۴، وظایف و مسئولیت سازمان‌ها و نهادهای مختلف را در این مورد تعیین نمود. این قوانین با وجود داشتن مزیت‌ها و برجستگی‌هایی، نواقصی در ضمانت اجرا و ضعف‌هایی در ساختار داشتند که با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۹، بسیاری از این ضعف‌ها و نواقص مرتفع گردیده است.

به هر حال قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به دلیل دارا بودن ابعاد حمایتی ویژه از کودکان و نوجوانان در محورهای مختلف، قانونی بسیار مؤثر، کارا و مطابق با اسناد حقوق بشری و یافته‌های نوین در جرم‌شناسی است. فرآیند تصویب این قانون و مطالعات مربوط به آن که از سال ۱۳۹۳ شروع شده بود، در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ به تصویب رسید. این قانون ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره دارد و تمام این مواد برای حمایت از افراد زیر ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. این قانون یک قانون حمایتی است. در اسناد بین‌المللی و اسناد و قوانین داخلی، قواعد، معیارها و قوانین مختلفی برای حمایت از اطفال آسیب‌پذیر جامعه از جمله کودکان و نوجوانان در مقابل جرم و بزهکاری وجود دارد که تأکید زیادی بر برنامه‌ریزی مدون و پیش‌بینی راهبردهایی ویژه برای حمایت از کودکان و نوجوانان دارند.

با توجه به توضیحات فوق تصویب قانون حمایتی و پیشگیری جامع و کامل نسبت به اطفال و نوجوانان ضروری بود. از طرفی بررسی قانون مصوب شده در این مورد و ذکر کاستی‌ها و ضعف‌های آن لازم بوده، و مقایسه‌ی قانون مطروحه‌ی فوق با نظریات و یافته‌های جرم‌شناسی و همچنین با اسناد حقوق بشری مرتبط با کودکان و نوجوانان برای تقویت امتیازات و نوآوریها و همچنین مرتفع نمودن معایب و کاستی‌های آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۴- پیشینه‌ی تحقیق:

مقاله‌ای تحت عنوان (نقدی بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹) توسط مونیکا نادى وکیل دادگستری و فعال حقوق کودک، منتشره در مجله‌ی علمی تخصصی در بهار سال ۱۳۹۹ تدوین گردیده است. هدف از تدوین این مقاله تحلیل و بررسی قانون فوق و تشریح نوآوری‌ها و ابتکارات و نقد و بررسی ضعف‌ها و کاستی‌های این قانون است. از جمله‌ی نوآوری‌هایی که پژوهشگر در این مقاله از آن یاد کرده عبارتند از: پیشگیری از وقوع خشونت، پیش‌بینی حمایت از وضعیت مخاطره‌آمیز، پیش‌بینی شکل‌گیری دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان و موارد دیگر.

مقاله‌ای تحت عنوان (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گامی در جهت اجرای تعهدات بین‌المللی) توسط زهره‌ی شفیعی دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه‌ی طباطبایی تدوین شده است. هدف این مقاله مقایسه و تطبیق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با اسناد بین‌المللی چون کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد. با توجه به مقاله‌ی فوق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در بسیاری از موارد با اسناد بین‌المللی تطابق دارد.

البته بیشتر تمرکز پژوهشگر در این مقاله بر مقایسه‌ی این قانون با بند بند کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد. به طوری که مقایسه‌ی دقیق و موشکافانه انجام شده است.

مقاله‌ای تحت عنوان (نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان) توسط مرتضی تقی‌زاده زانوقی در پاییز ۱۳۹۹ تدوین شده است که هدف این پژوهش بررسی ابتکارات و نوآوری‌های قانون مذکور و ذکر محاسن و برجستگی‌های آن است در این مقاله محقق به مقایسه‌ی قانون فوق و قانون پیشین حمایت از کودکان و نوجوانان پرداخته است.

۵- بررسی مواد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹:

همان‌طور که در مباحث قبل معروض گردید، در حقوق کیفری تا دهه‌ی ۸۰، کودکان و نوجوانان چندان مورد توجه نبودند و از ابتدای دهه‌ی ۸۰ نهضتی در قلمرو حقوق کیفری برای توجه به حقوق کودک و نوجوان شکل گرفت.

با توجه به نواقص و کاستی‌های ساختاری و اجرایی در قوانین قبلی حمایت از کودک و نوجوان و همچنین عدم تطابق این قوانین با نظریات جدید جرم‌شناسی و اسناد حقوق بشری، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ مصوب گردید. این قانون ضمن تقلیل معایب و ضعف‌های قانون پیشین، تشابه و تجانس فراوانی با یافته‌های جدید جرم‌شناسی و موازین عالی‌هی حقوق بشر دارد.

در این قانون علاوه بر جرم‌انگاری وسیع افعال خطرناک علیه کودکان و نوجوانان، به آسیب‌هایی که کودک یا نوجوان از آن رنج می‌برد نیز توجه شده است. آسیب‌هایی چون سوء رفتار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، بهره‌کشی، بی‌توجهی والدین در انجام تکالیف مقرر مورد تقنین قرار گرفته است.

سوء رفتار هم به صورت فعل و هم ترک فعل امکان‌پذیر است و هرگونه رفتاری را که موجب آسیب دیدن سلامت جسم و روان و یا تهدید و ارباب وی را به همراه دارد، در بر می‌گیرد.

به‌کارگیری کودکان در کارهای غیر اخلاقی، خطرناک، معامله و خرید و فروش اطفال و نوجوانان به عنوان کالا، وادار کردن آن‌ها به افعال جنسی، مواجه نمودن اطفال و نوجوانان با وضعیتی که حیات و سلامت روانی آنان به خطر بیفتد، و اعمالی چون خشونت مستمر نسبت به اطفال و نوجوانان، وادار کردن آن‌ها به فساد، فحشاء، اعتیاد، استفاده از آن‌ها برای ارتکاب جرائم، از جمله آسیب‌ها و جرائمی است که مرتکب آن را به ورطه‌ی مجازات گرفتار خواهد نمود.

همچنین در این قانون باز ماندن کودک و نوجوان از تحصیل مورد تقنین قرار گرفته و به بهزیستی و حتی دادستان مجوز داده شده تا در صورت نیاز نسبت به این مسأله اقدام کنند. طرد شدن کودک و نوجوان از سوی خانواده نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در این قانون توجه ویژه‌ای به کم‌توانان جنسی و روانی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در قانون فوق‌الاشعار به بزهکاری کودکان و نوجوانان نیز توجه شده است، البته بزهکاری این اشخاص در این قانون به عنوان یک وضعیت خطرناک مورد بحث واقع شده که نبایستی با پاسخ کیفری محض مواجه شود.

از جمله آسیبی که در این قانون مورد توجه و مطمح نظر قرار گرفته، احتمال وقوع خطر شدید و قریب‌الوقوع که سلامت جسمی و روانی کودک و نوجوان را به شدت تهدید می‌کند، می‌باشد که مداخله فوری بهزیستی و یا دادستان را ایجاب می‌کند. وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و مصادیق آن در ماده ۳ مورد عنایت و توجه مُقنن قرار گرفته است. این مصادیق مخاطره‌آمیز عبارتند از: بی‌سرپرستی طفل و نوجوانان یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری والدین در انجام وظایف قانونی و شرعی، ابتلای هر یک از والدین و اولیاء قانونی به بیماری جسمی یا روانی زندانی شدن اولیاء، ابتلای هر یک از اولیاء به اعتیاد زیان‌آور، فساد یا قوادی، یا اداره فساد و فحشاء توسط هر یک از اولیاء، عدم اقدام برای ثبت واقعه‌ی ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی و موارد دیگر از جنبه قضایی همه‌ی نهادها و دستگاه‌های دخیل در موضوع، باید مساعدت لازم را داشته باشند و راهکارهایی را اندیشیده و مسئولیت‌هایی را بپذیرند. در این قانون قوه قضائیه موظف گردیده که دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان را در دادگستری‌های هر استان ایجاد کند. در مواد ۲۸ و ۲۹ این قانون به ساختارهای قضایی توجه ویژه شده و تلاش شده برای کودکان شعب خاص پیش‌بینی شود.

در قانون مطروحه اختیارات وسیعی برای دادستان در نظر گرفته شده است. به طوری‌که در مواقعی که خطر شدید و قریب‌الوقوع کودک را تهدید می‌کند، دادستان و تمام دستگاه‌های اجرایی و عاملین آن‌ها چون مددکاران اجتماعی بهزیستی یا ضابطان دادگستری و یا واحد حمایت دادگستری، اجازه‌ی دخالت دارند.

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان جرم‌انگاری فراوانی نسبت به بسیاری از آسیب‌ها و بدرفتاری‌ها و سوءرفتارها نسبت به کودک و نوجوان صورت گرفته است، برای مثال تحریک به خودکشی، تحریک به فرار از خانه یا مدرسه یا ممانعت تعمدی از تحصیل طفل نیز مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و برای خاطیان مجازات تعیین شده است.

در این قانون توجه خاص و ویژه‌ای به خانواده شده است. کانون خانواده هم از نظر مراقبت و کنترل طفل یا نوجوان از بزه‌دیده نشدن و هم از نظر مُسبب بزه‌دیده شدن طفل یا نوجوان مورد توجه قرار گرفته است. یعنی در برخی موارد والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی، خود علت اصلی آسیب و جرم بوده و بایستی از نظر قانونی مورد مؤاخذه و بازخواست قرار گیرند.

در قانون فوق‌الذکر بعضی از خانواده‌ها، خانواده‌های در معرض خطر هستند. یعنی محیط این خانواده برای کودک یا نوجوان خطرناک است؛ برای مثال جدایی والدین برای کودک محیطی خطرناک و نابهنجار را ایجاد می‌کند. در برخی موارد والدین مکلف هستند که برای نگهداری از فرزندان از دادستان مجوز اخذ کنند. یا برای مثال در ماده ۳۲ به مددکاران اجتماعی این امکان فراهم شده که در صورت تشخیص محیط خانه، به عنوان محیط مخاطره‌آمیز، طفل یا نوجوان را از آن خانه یا محیط دور سازند.

در این قانون در برخی موارد انحراف و کژروی طفل یا نوجوان نیز مدنظر مقنن قرار گرفته است، برای مثال فرار طفل از خانه یا مدرسه که نوعی کژروی هست در این مورد نیز مورد حمایت قانون قرار گرفته است. در ضمن در این قانون در بعضی موارد وضعیت جسمی، روانی، اختلالات جنسیتی و یا کم‌توانی جسمی طفل یا نوجوان مورد توجه قانون بوده است. از طرفی در این قانون از استفاده‌ی طفل یا نوجوان به عنوان وسیله‌ای فحشاء، ابتذال، اعتیاد، یا برای تهیه، تولید، توزیع، واردات و تکثیر آثار مستهجن یا مبتذل، قاچاق و فروش مواد مخدر، از طرف هر کسی موجب تشدید مجازات مرتکب می‌گردد.

در ماده‌ی ۱۷ این قانون، بدون نام بردن از شخص یا ارگان و نهاد خاصی، هر کسی را که از وقوع جرم یا شروع به جرم یا فقط وقوع خطر شدید و قریب‌الوقوع مطلع شود و با وجود توانایی، به مراجع صلاحیت‌دار اطلاع ندهد و حتی در صورت لزوم خود مطلع از وقوع جرم ممانعت به عمل نیاورد، مجازات تعیین شده است. یعنی در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب

۱۳۹۹، مقنن همهی مردم را حتی بدون مشاهده‌ی جرم یا خطر، در صورت اطلاع از ارتکاب جرم و یا وجود خطر، موظف به اطلاع‌رسانی و در موارد ضروری موظف به جلوگیری از ارتکاب جرم نموده است.

مقنن در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، جرایم این قانون را از جرایم غیرقابل گذشت اعلام نموده است، به طوری که بدون شکایت شاکی، توسط مقام قضایی قابل تعقیب است. در برخی از موارد این قانون مجازات مرتکب تشدید شده، برای مثال اگر مرتکب به صورت مکرر علیه طفل یا نوجوان مرتکب جرم شود یا سمت ولایت یا وصایت نسبت به طفل داشته باشد، و همچنین از کم‌توان ذهنی یا جسمی سوء استفاده نماید.

در قانون فوق‌الاشعار، به دلیل اهمیت حمایت از طفل و نوجوان، مقنن با توسیع جهات قانونی شروع به تعقیب، گزارش‌هایی که هویت گزارش‌دهندگان مشخص نیست و همچنین تقاضای خود طفل یا نوجوان را نیز از جمله موارد قانونی برای شروع به تعقیب دانسته است.

در این قانون برای طفل یا نوجوان درخواست جبران خسارت و زیان نیز پیش‌بینی شده است. و در صورت لازم علاوه بر مجازات مذکور در این قانون، اجرای مجازات حد، قصاص یا دیه نیز نسبت به مرتکب، قابل تعیین است.

با همه‌ی توضیحات مطروحه‌ی فوق‌الاشعار، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ دارای امتیازات و برجستگی‌های فراوانی نسبت به قوانین پیشین بوده، به طوری که می‌توان آن را قانونی مترقی، قابل اتکاء و متناظر با اسناد حقوق بشری و اسناد بین‌المللی مرتبط با کودک و نوجوان دانست. البته قابل ذکر است که با وجود محاسن برجسته و قابل تحسین این قانون، ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز جهت متجانس نمودن هر چه تمام‌تر آن با قوانین بین‌المللی حقوق کودک، وجود دارد. در مباحث بعدی تلاش بر این است که ضمن ذکر امتیازات و ضعف‌های قانون فوق، تطابق یا عدم تطابق این قانون با نظریات و یافته‌های جرم‌شناسی و همچنین با اسناد بین‌المللی حقوق کودک، مورد مباحثه قرار گیرد.

۱-۵: مزایا و ابتکارات قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹

با توجه به ایرادات و ضعف‌هایی که قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۸۱ و حتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ وجود داشت، در سال ۱۳۹۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال به تصویب رسید. این قانون برجستگی‌ها و ابتکارات فراوانی نسبت به قوانین پیشین دارد که از جمله این ابتکارات بدین شرح است:

۱- حمایت وسیع و همه‌جانبه از تحصیل کودکان و نوجوانان:

آموزش و تحصیل یکی از ارکان اساسی زندگی انسان‌ها و مختصاً کودکان و نوجوانان است. به طوری که بعد از محیط خانواده، اساسی‌ترین محیط برای جامعه‌پذیری، یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی و آموختن معاشرت اجتماعی می‌باشد. بعد از محیط خانواده مدرسه مهم‌ترین و مناسب‌ترین محیط برای یادگیری کنترل خشم، مهربانی، صبوری، عطف و معاشرت با دیگران است.

در قانون پیشین در ماده ۴ فقط برای جلوگیری از تحصیل کودکان مجازات تعیین شده بود، از طرفی عدم تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان تا دوره راهنمایی جرم‌انگاری شده بود، اما اشاره‌ای به جرم‌انگاری عدم تأمین وسایل و امکانات تحصیل در دوره دبیرستان نشده بود. و برای این دوره فقط به مشاوره و ارشاد اکتفاء شده بود. در قانون جدید حمایت از

کودکان و نوجوانان هر یک از والدین یا اولیاء و سرپرستان قانونی و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری و مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند، چنانچه برخلاف مقررات، از تأمین وسایل و امکانات تحصیل طفل یا نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع نمایند یا ممانعت نمایند، به انجام تکالیف یاد شده و جزای نقدی درجه هفت در قانون مجازات محکوم می‌شوند. (تقی زاده زانوقی، ۱۳۹۹)

علت تأکید قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان به مقطع دبیرستان و جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل در این مقطع به علت اهمیت فراوان این مقطع در آینده و انتخاب شغل کودک و نوجوان است. چرا که در این مقطع هست که آینده شغلی و یادگیری مهارت‌های شغلی اتفاق می‌افتد. معمولاً مشاوران مدارس با هدایت تحصیلی دانش‌آموزان به هنرستان‌ها موجب فراگیری حرفه‌ی شغلی و اکتساب فنونی برای تأمین معاش کودک و نوجوان می‌شوند و یا تحصیل در رشته‌های نظری می‌تواند وارد دانشگاه شوند. از طرفی مقطع دبیرستان معمولاً مقارن با سنی است که نوجوان در معیت دوستان و همسالانش معاشرت‌های اساسی زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرند.

قابل ذکر است که قانون فوق‌الذکر علاوه بر پیش‌بینی و جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل کودک و نوجوان برای ترک تحصیل آن‌ها نیز تدابیری مقرر کرده، یعنی حتی اگر خود طفل یا نوجوان بدون مزاحمت کسی، ترک تحصیل نموده باشد، یا مکرراً از مدرسه فرار کند، در صورتی که این موارد طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت یا وضعیت آموزشی وی شود، موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود.

۲- خشونت‌های مستمر والدین نسبت به طفل یا نوجوان یا نسبت به همدیگر:

خانواده به عنوان مهم‌ترین کانون امن برای اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود، خشونت، تنبیه و توهین، تهدید و ارعاب آن‌ها خسارات روحی، روانی و جسمی فراوان و جبران‌ناپذیری در طفل و نوجوان به وجود می‌آورد که سال‌ها در اذهان آن‌ها باقی مانده و طفل و نوجوان را به انسانی عقده‌ای، ناصبور، کژرو و بزه‌کار مبدل می‌کند. تنبیه طفل و نوجوان هم بعد اخلاقی و هم تربیتی دارد و برای مثال، در بعد تربیتی باید توجه نمود که تنبیه در مراحل اولیه، پنهانی و دور از نظر دیگران باشد تا موجب شکست شخصیت کودک نشود و عکس‌العمل منفی به دنبال نداشته باشد.

در بعد حقوقی تنبیه طفل یا نوجوان توسط هر کسی مستوجب مجازات است مگر اینکه طبق بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات، این اقدامات به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها باشد و مشروط بر اینکه اقدامات فوق در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد. اما طبق قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان خشونت مستمر والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی در صورتی که منجر به بزه‌دیدگی طفل یا نوجوان شود، وضعیت مخاطره‌آمیز احتساب گردیده و موجب مداخله و حمایت قانونی از آن‌ها می‌شود. پس با وجود تجویز قانونی برای اولیاء و سرپرستان جهت تنبیه و تأدیب متعارف طفل یا نوجوان در قانون مجازات، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان خشونت نسبت به آن‌ها را توسط اولیاء و سرپرستان برنمی‌تابد چرا که خشونت مستمر اثر تربیتی و تأدیبی متعارف نداشته و موجب مداخله‌ی مقامات صالحه خواهد شد. (تقی زاده زانوقی، ۱۳۹۹)

۳- پیش‌بینی انحراف و کژروی و نقض قوانین جزایی به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز:

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان علاوه بر بزه‌دیدگی طفل و نوجوان، مقنن اشاراتی نیز به بزه‌کاری و انحرافات آن‌ها داشته است.

طبق بند «ذ» ماده ۳ این قانون، نقض قوانین جزایی و وارد شدن طفل یا نوجوان در برخی از کژروی‌ها یا جرایم چون تکدی‌گری و اعتیاد، تحت عنوان وضعیت خطرناک قلمداد شده و موجب مداخله‌ی مقامات صالحه خواهد شد. پس در قانون فوق ضمن حمایت بی‌بدیل از بزه‌دیدگی طفل یا نوجوان، بزه‌کاری او نیز مورد تقنین قرار گرفته، به عبارتی در برخی موارد فعالیت‌های خطرناک طفل یا نوجوان موجب دخالت و ورود مقامات قضایی یا دیگر مقامات خواهد شد، حتی اگر این فعالیت‌ها جرم نبوده و فقط نوعی انحراف باشد.

۴- حمایت همه‌جانبه از اطفال و نوجوانان با تقسیم وظایف حمایت از آن‌ها به نهادهای مختلف:

در قانون مذکور قانون‌گذار نهادهای مختلفی را درگیر و مکلف به حمایت از طفل و نوجوان نموده است. به طور کلی در سیاست جنایی جدید، فقط نهادهای عدالت کیفری نیستند که ایفای نقش می‌نمایند. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز به این مهم توجه داشته و علاوه بر نهادهای عدالت کیفری، مراجع غیر کیفری را نیز دخیل در حمایت از کودکان و نوجوانان ساخته است. این قانون برخلاف قانون پیشین اختیارات وسیعی را به مراجع غیر کیفری از جمله سازمان‌های غیردولتی که در حوزه‌ی حقوق کودک و نوجوان فعال هستند، سازمان بهزیستی برای حمایت از کودک و نوجوان قائل شده است (مهدوی ثابت، عبداللهی، ۱۳۹۸).

کودک و نوجوان برای رشد و نمو و تشکیل و تکمیل شخصیت متأثر از محیط‌های مختلف و متفاوتی چون خانواده، محیط همسالان و مدرسه است. تمامی این محیط‌ها در تربیت و شکل‌دهی شخصیت طفل و نوجوانان دخیل هستند. برای تربیت صحیح و متعارف این اشخاص تمامی محیط‌های فوق باید با هم متناسب، متناظر و در یک راستا باشند. برای مثال اگر محیط خانواده سالم اما محیط مدرسه یا همسالان ناسالم و ناهنجار باشد، یقیناً تربیت طفل یا نوجوان به خوبی اتفاق نمی‌افتد و با مشکل مواجه خواهد شد. پس با توجه به این شرایط به نظر می‌رسد که تربیت اشخاص فوق بسیار پیچیده و نیازمند به هماهنگی و همگرایی تمامی محیط‌هایی است که این اشخاص با آن سر و کار دارند.

این هماهنگی و همگرایی و محدوده‌ی آن را مقنن مشخص می‌کند. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز قانون‌گذار نهادها و دستگاه‌های مرتبط با اطفال و نوجوانان و تکالیف هر یک از آن‌ها را مشخص کرده است. طبق قانون، دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها در قوه قضائیه تشکیل می‌شود و بین دستگاه‌های مختلف هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد.

پس طبق قانون فوق باید بین تمام نهادهای مربوطه از جمله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، وزارت کشور، سازمان ثبت احوال، نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، صدا و سیما، وزارت بهداشت نوعی هماهنگی و همگرایی وجود داشته و هر کدام از این نهادها تکالیف مقرر را به نحو احسن انجام داده تا اهداف تعیینی جهت حمایت از اطفال و نوجوانان تحقق یابد. قابل ذکر است که اگر هر کدام از این نهادها وظایف محوله را انجام ندهد و یا در انجام آن قصور ورزد، به فرض مثال اگر سازمان بهزیستی یا سازمان ثبت احوال و آموزش و پرورش همگرایی لازم را نداشته باشند، فرآیند حمایتی منظم در این قانون تکمیل نشده و کارایی لازم را نخواهد داشت.

۵- جرم انگاری هرگونه سوء استفاده از طفل یا نوجوان جهت ارتکاب جرم یا بزه کاری:

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تأکید زیادی بر جرم انگاری سوء استفاده از طفل یا نوجوان به عنوان وسیله ارتکاب جرایم گردیده است. به طوری که هرگونه سوء استفاده از طفل یا نوجوان حتی اگر با رضایت او باشد جرم است و سوء استفاده کننده را با مجازات مواجه خواهد کرد. از جمله این موارد:

در بند «ذ» ماده ۳ به استفاده از طفل یا نوجوان در فعالیت‌های مجرمانه یا وادار کردن او به انحراف و کژروی چون تکدی‌گری و اعتیاد به شرب خمر یا مواد مخدر بحث شده است.

در بند «ژ» ماده فوق‌الاشاره به بهره‌کشی از طفل یا نوجوان اشاره شده است. یعنی این‌که هرگونه اجبار و وادار نمودن طفل یا نوجوان به کارهای غیرقانونی که برای او مضر است.

در بند «ث» ماده ۱۰ به بهره‌کشی جنسی طفل یا نوجوان اشاره شده که منظور از آن وادار کردن یا اجیر کردن یا عرضه طفل یا نوجوان برای هر نوع سوء استفاده‌ی جنسی هست.

در بند «چ» استفاده از طفل یا نوجوان برای تهیه، تولید، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل جرم انگاری شده است.

در ماده ۱۱ هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان ممنوع اعلام شده است.

ماده ۱۵ بهره‌کشی اقتصادی از طفل یا نوجوان مورد توجه قرار گرفته است.

در ماده ۱۶ فروش یا در اختیار قرار دادن مواد دخانی توسط طفل یا نوجوان مورد جرم انگاری قرار گرفته است.

با توجه به توضیحات فوق بدیهی و مبرهن است که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تأکید زیادی بر عدم سوء استفاده از طفل یا نوجوان که قوه‌ی تشخیص و تمییز کمی نسبت به خطرات و جرائم دارند، شده است. چرا که این اشخاص به علت ناآگاهی و عدم تسلط کافی نسبت به قانون و هنجارهای جامعه در معرض سوء استفاده هستند. لذا هرگونه سوء استفاده از ضعف و ناتوانی آن‌ها به طور وسیعی جرم انگاری شده و موجب دخالت و حمایت مراجع صالح خواهد شد.

هر چند که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ به طور صریح کودک‌آزاری جرم انگاری شده و برای مستوجب آن مجازات در نظر گرفته شده است، اما در ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مُقَنَّ صریحاً آزار یا سوء استفاده‌ی جنسی طفل یا نوجوان را به هر طریق و روشی جرم انگاری کرده است. از جمله آزارها و سوء استفاده‌هایی که جرم انگاری شده‌اند عبارتند از: آزار جنسی تماسی، غیرتماسی، بهره‌کشی جنسی، ارائه محتوی مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان و برقراری ارتباط با طفل یا نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه سوء استفاده‌ی جنسی.

۶- مکلف نمودن همه‌ی اشخاص مطلع به اطلاع رسانی در زمینه‌ی ارتکاب جرم علیه کودک یا نوجوان:

به طور کلی فقط اشخاصی مکلف به اطلاع رسانی یا جلوگیری از جرم می‌باشند که از نظر قانونی موظف به این کار باشند. در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، کلیه‌ی افراد و موسساتی که مسئولیت سرپرستی و نگهداری از کودک یا نوجوان را به عهده داشتند، در صورت اطلاع از کودک‌آزاری، مکلف به اطلاع رسانی بودند. اما در قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان هریک از اشخاص جامعه، در صورت اطلاع یا مشاهده‌ی وقوع جرم، یا شروع به جرم یا حتی مشاهده‌ی یا اطلاع از هرگونه خطر قریب الوقوع نسبت به کودک یا نوجوان، موظف به گزارش، اطلاع رسانی و حتی با شروطی موظف به ممانعت از وقوع جرم هستند، و در صورت عدم اقدام مستوجب مجازات خواهند بود. (نادی، ۱۳۹۹)

۷- از جمله ابتکارات دیگری که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ وجود دارد و برای پرهیز از اطاله‌ی کلام از تشریح آن صرف‌نظر می‌شود، عبارتند از: توسیع جهات قانونی شروع به تعقیب، محول نمودن رسیدگی به وضعیت مخاطره‌آمیز موجود در این قانون به دادگاه خانواده، برجسته نمودن وظایف مددکار اجتماعی در مداخله در موارد مقرر جهت حمایت از طفل یا نوجوان، رسیدگی به بزه‌کاری اطفال و نوجوانان طبق قواعد مشروحه در این قانون. با مطالعه‌ی دقیق و نکته به نکته‌ی مواد قانونی، متوجه می‌شویم که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ ابتکارات و امتیازاتی مناسب نسبت به قانون قبلی ذکر شده داشته، اما به نظر می‌رسد که این قانون در برخی موارد کاستی‌ها و نواقصی نیز دارد که در مبحث بعدی به چند مورد از آن اشاره خواهد شد.

۲-۵: کاستی‌ها:

۱- عدم توجه کافی به پیشگیری از بزه دیده یا بزه کار شدن کودک یا نوجوان: قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ اگرچه با عبارت «حمایت» از کودکان و نوجوانان مورد تقنین قرار گرفته ولی به نظر می‌رسد که در این قانون توجه کمی به پیشگیری از جرم شده است. در قانون مذکور بیشتر توجهات معطوف به جرم‌انگاری و تعیین مجازات نسبت به جرائم علیه کودک و نوجوان است. به عبارتی قانون فوق بیشتر از آنکه حمایتی باشد، یک قانون قضایی است که در مباحث پیشگیرانه و جنبه‌های اجتماعی خشونت علیه کودکان و نوجوانان به طور کامل وارد نشده است.

بنابراین در قانون حاضر نسبت به زمینه‌های وقوع جرم و بسترهای وقوع آن کم‌توجهی شده است. از نظر اندیشمندان علم حقوق پیشگیری از وقوع جرم و همچنین پیشگیری از بزه‌دیده واقع شدن بسیار مهم‌تر از مجازات است. از سویی پیشگیری فقط برای ممانعت از ارتکاب جرم نیست، بلکه دخالت در فرصت‌های جلوگیری از بزه‌دیده واقع شدن نیز ضروری است. حمایت از طفل و نوجوان فقط مجازات مرتکب نیست، بلکه حمایت باید با مراقبت و نظارت مداوم جهت جلوگیری از ورود جنایت، ضرر و زیان و خسارت نسبت به طفل یا نوجوان همراه باشد. از طرفی با توجه به تجویز مداخله‌ی مقامات صالح در موارد نقض قوانین جزایی یا انحراف و کژروی طفل یا نوجوان، علاوه بر پیشگیری از بزه‌دیدگی، پیشگیری از انحراف و بزه‌کاری طفل و نوجوان نیز ضروری است.

۲- عدم تعیین ضمانت اجرا جهت الزام نهادها و سازمان‌های مرتبط با قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: با وجود این که قانون فوق‌الاشعار جهت حمایت همه‌جانبه و کامل از اطفال و نوجوانان، نهادها و سازمان‌های مختلفی را دخیل در موضوع دانسته و برای اجرای هرچه بهتر قانون مذکور وظایفی را برای آن‌ها تعیین کرده است، اما ضمانت اجرایی برای عدم اجرای وظایف محوله توسط این سازمان‌ها، معین نکرده است. مبرهن است که با عدم الزام و فقدان ضمانت اجرا، اجرای این وظایف توسط نهادهای مذکور جای تردید خواهد داشت. لذا تبیین راهکاری جهت تکلیف و الزام سازمان‌های مطروحه، جهت اجرای وظایف مقرر اجتناب‌ناپذیر است.

۳- توسعه و پررنگ نمودن نقش سازمان بهزیستی و عدم توجه به ظرفیت عملی و بودجه‌ای سازمان:

در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان توجه افراطی و بیش از حد توان به نقش سازمان بهزیستی نسبت به دخالت و حمایت از طفل یا نوجوان شده است، در صورتی که به نظر می‌رسد با کاستی‌ها و ضعف‌های بودجه‌ای این سازمان و فقدان نیروی کافی، انجام این مهم از حد و توان این سازمان خارج است. لذا به نظر می‌رسد که بایستی یا با ترمیم و تقویت این سازمان چه از نظر مالی و چه تأمین نیروی خبره و لازم در این راستا، مساعدت لازم صورت گیرد و یا از توان اجرایی سازمان‌های دیگر چون سازمان‌های مردم‌نهاد یاری جست. (نادی، ۱۳۹۹)

۶- مطالعه‌ی تطبیقی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ با یافته‌ها و نظریات جرم‌شناسی و اسناد حقوق بشری مرتبط با حقوق کودک و نوجوان

در این مبحث سعی شده که مواد قانونی مذکور در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با نظریات جدید جرم‌شناسی در حیطه‌ی بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری کودکان و نوجوانان مقایسه شود. از طرفی تلاش بر این است که قانون فوق با اسناد حقوق بشری که در مورد حقوق کودک و نوجوان وجود دارد، مقایسه شده و معایب و محاسن آن مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱-۶: ارزیابی تطبیقی و مقایسه‌ی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۱ با یافته‌ها و نظریات جدید جرم‌شناسی:

علم جرم‌شناسی که ابتدائاً برای یافتن علل وقوع جرم متولد شد و به دنبال کنکاش در مورد ویژگی‌های جسمی، روانی مجرم و همچنین پیگیری مشخصه‌های جرم و علت وقوع آن بود، در دوره‌های بعد روند تحقیق و بررسی را به سمت و سوی اصلاح مجرم نیز توسعه داد.

هرچند از همان ابتدا اندیشمندان جرم‌شناسی اندک توجهی نیز به مقوله‌ی پیشگیری از جرم داشتند اما این توجه فقط به نوع خاصی از پیشگیری که به پیشگیری از تکرار جرم یا همان پیشگیری واکنشی بود، خلاصه می‌شد. در این نوع از پیشگیری بیشتر هدف این بود که با تنبیه و مجازات مجرم، هم خود او از تکرار جرم باز داشته شود و هم افراد جامعه با دیدن صحنه‌ی تنبیه و مجازات او، از ارتکاب جرم باز داشته شوند.

اما در مراحل بعد جرم‌شناسان توجه خود را به مقوله پیشگیری غیرکیفری معطوف داشتند و دامنه‌ی بیشتری از وقوع جرم را توسعه داده و مطالعات زیادی در زمینه‌ی باز داشتن اشخاص از ارتکاب جرم انجام دادند.

پیشگیری را بهتر از مجازات و حتی اصلاح و درمان دانستند و برای جلوگیری از وقوع جرم، به جای منتظر ماندن برای وقوع جرم توسط مجرم و سپس واکنش نسبت به آن و مجازات مجرم یا اصلاح او، برای ممانعت از گرفتاری مجرم در ورطه‌ی جرم، راهکارهایی اندیشیدند و روش‌هایی ارائه دادند که بتوانند با تأثیرگذاری در خود شخص مستعد به ارتکاب جرم و یا دخالت در آماج جرم، او را از ارتکاب جرم منصرف نمایند و یا هزینه‌های ارتکاب جرم را بالا برده و یا فرصت ارتکاب جرم را از او بگیرند.

در تحقیقات بعدی، نظریات و یافته‌های جرم‌شناسان معطوف به بزه‌دیده شد. آن‌ها دریافتند که علاوه بر جرم و مجرم بایستی بزه‌دیده نیز مورد توجه قرار گیرد. بزه‌دیده به دو صورت مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفت: از یک طرف به بزه‌دیده به عنوان شخصی که در برخی موارد محرک و دخیل در ارتکاب جرم است و مشارکت مؤثر در ارتکاب جرم علیه خود داشته یا تقصیر داشته یا بانی و باعث وقوع جرم بوده است، نگریسته می‌شد.

اما از طرف دیگر به بزه‌دیده به عنوان شخصی که از وقوع جرم متضرر شده و آسیب‌دیده، توجه شد. این نوع از بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نامیده شد. در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بیشتر توجه به ترمیم خسارت وارده و کاهش اثرات ارتکاب جرم علیه او مطرح است.

اما در آخرین یافته‌ها و تحقیقات جرم‌شناسی متأثر از عدم پاسخگویی کافی یافته‌های قبلی چون اصلاح و درمان مجرم، در تقلیل جرم و ممانعت مرتکب از ارتکاب جرم، مطالعات دانشمندان جرم‌شناسی چرخشی قابل توجه به نظریات ابتدایی اندیشمندان کلاسیک جرم‌شناسی داشته است. به طوری که سیاست جنایی به سمت و سوی سخت‌گیری در مجازات و عدم تسامح و اغماض با مجرمان گرایش پیدا کرد.

برای مشخص شدن تطابق یا عدم تطابق قانون مطروحه ی فوق با نظریات و یافته‌های جرم‌شناسی، ابتدا چند نوع از مفاهیم، دیدگاهها و نظریات جرم‌شناسی مرتبط با حقوق کودک را مطالعه کرده و سپس به مقایسه ی قانون مذکور با یافته‌های جرم‌شناسی می پردازیم.

۱-۱-۶: مفاهیم و نظریات جرم‌شناسی:

کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از گروههای اصلی و حساس، مورد مطالعه ی علم جرم‌شناسی و شاخه های مختلف آن بوده است، به طوری که شاید به جرأت بتوان گفت، کودک و نوجوان از طیفهایی است که مرکز ثقل مطالعات این علم می باشند. با کنکاشی در نظریات و دیدگاههای جرم‌شناسی مطالعات وسیعی در این زمینه قابل مشاهده هست که در این مبحث برای پرهیز از زیاده گویی و همچنین برای اختصار کلام، نگاهی گذرا به این نظریات خواهیم انداخت.

از جمله مفاهیم و نظریات جرم‌شناسی مهم که به نوعی مرتبط با اطفال و نوجوانان می باشد، به طور اختصار عبارتند از:

۲-۱-۱-۶ - مفاهیم :

۱ - پیشگیری: پیشگیری از اهداف کاربردی جرم‌شناسی است که نقطه ی پیوند این رشته با دیگر شاخه های علوم جنایی است. پیشگیری را بر اساس معیارهای مختلف به انواع متفاوتی تقسیم می کنند.

به طور کلی پیشگیری را می توان به دو نوع پیشگیری کنشی و واکنشی تقسیم کرد. پیشگیری واکنشی با توجه به این که با مجازات مرتبط هست، کارایی کمتری در زمینه ی حمایت و اصلاح کودک یا نوجوان دارد. البته نوعی از پیشگیری واکنشی ناکیفی را می توان در مبحث مربوط به اطفال و نوجوانان نام برد، از جمله (سلب حضانت) از اولیاء به علت آزار کودک یا داشتن اعتیاد (رایجیان اصل، مهرداد، ۱۳۹۸).

اما پیشگیری غیر کیفری یا کنشی با مباحث مربوط به کودکان و نوجوانان ارتباط تنگاتنگی دارد. برای تبیین و تشریح این ارتباط به بررسی پیشگیری کنشی می پردازیم:

در یک تقسیم بندی کلی پیشگیری کنشی را به سه شاخه تقسیم می کنند: پیشگیری فرد مدار، پیشگیری جامعه مدار، پیشگیری موقعیت مدار (رایجیان اصل، مهرداد، ۱۳۹۸)

پیشگیری کنشی فرد مدار یا همان پیشگیری زودرس و رشد مدار یکی از مهمترین شاخه های پیشگیری است که به طور زاید الوصفی با مباحث مربوط به پیشگیری از بزه دبدگی و بزه کاری کودکان و نوجوانان مرتبط است. این نوع از پیشگیری با تعمیق و تمرکز بر مراحل مختلف سنی اشخاص فوق در زمینه ی تربیت و تعلیم و آموزش معاشرتهای اساسی زندگی از طریق دو نهاد

خانواده و آموزش و پرورش، تلاش می کند با اجرای برنامه های حمایتی از کودکان و نوجوانان برای تقلیل و خنثی سازی عوامل خطرآفرین فردی و محیطی، اقدامات لازم را انجام دهد.

در پیشگیری جامعه مدار یا اجتماعی که به سه قسمت: اولیه، ثانویه و ثالثیه تقسیم می شوند، در پیشگیری اولیه ایمن سازی تمام افراد جامعه مد نظر است. در پیشگیری ثانویه فقط افراد یا گروههای در معرض خطر مورد توجه هست. اما پیشگیری ثالث یا سومین چون بعد از ارتکاب جرم و برای ممانعت از ارتکاب جرم به کار می رود، در مبحث این مقال کمتر مورد توجه هست. و بالاخره پیشگیری موقعیت مدار که مبتنی بر تبیین های نظریه های فرصت جرم هست، کاربرد زیادی در ممانعت از بزه دیده یا بزه کار شدن اشخاص و مختصاً در این مبحث کودک و نوجوان، دارد. این نوع از پیشگیری را می توان به دو نوع، پیشگیری وضعی و محیطی تقسیم کرد. در پیشگیری وضعی با استفاده از ابزارهای فنی و مکانیکی از ایجاد موقعیت جرم جلوگیری می شود، یا با اقدامات زیر از انجام جرم یا بزه دیده شدن اشخاص جلوگیری می شود: تقویت آماج جرم، حذف آماج، حذف وسیله ی ارتکاب جرم، کاهش سودآوری برای بزه کاران، نظارت رسمی یا غیر رسمی، حذف بهانه های ارتکاب جرم یا نظارت طبیعی از سوی رهگذران و ساکنان (کلکوهن، ۱۳۹۰).

اما در پیشگیری موقعیت مدار محیطی سعی بر این است که با شیوه ها و شگردهایی در طراحی، مهندسی و معماری در فضاهای زندگی اشخاص و به ویژه کودکان از ارتکاب جرم علیه آنها جلوگیری شود. پس پیشگیری موقعیت مدار در واقع از سوی اشخاص برای حفاظت از بزه دیدگی خود یا افراد مورد نظرشان، به کار گرفته می شود.

۲ - جرم زدایی، قضا زدایی:

جرم زدایی و قضا زدایی از مفاهیم و تدابیری است که منشأ و مأخذ اصلی آنها علم جرم شناسی است. این دو اصطلاح واژه هایی کاملاً جرم شناختی هستند که به نوعی در مقابل جرم انگاری وسیع و اصطلاح تورم کیفری کاربرد دارند. به عقیده ی جرم شناسان انتقادی و به ویژه جرم شناسان رادیکال چون خود دولتها چه در زمینه ی قانونگذاری و فرایند رسیدگی و اجرای مجازات علیه اشخاص و چه در ایجاد کژروی و بزهکاری نقش علی دارند، لذا بایستی برای کاستن از اشتباهات قضایی و رفع قصور دولت، جرم زدایی و قضا زدایی به طور وسیع مد نظر قرار گیرد.

«جرم زدایی در معنای دقیق کلمه، یعنی زدودن برچسب عنوان مجرمانه از یک عمل یا رفتار. جرم زدایی شامل فرایندی است که از طریق آنها صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجرا به عنوان واکنش نسبت به بعضی از رفتارها، یعنی رفتار مجرمانه ی خاصی سلب می شود. ما قضا زدایی، راهکاری فنی برای کاستن از تراکم دعاوی در مراجع رسمی دادگستری به طور نسبی است.» (مقیمی اینچه برون، ۱۳۹۹).

۳ - اصل تفرید فرایند کیفری:

اصل رسیدگی افتراقی یا به نوعی فردی کردن رسیدگی از اصطلاحات برگرفته از جرم شناسی است. به نظر می رسد که جرم شناسان اثباتی برای نخستین بار به اصل تفرید رسیدگی توجه کردند. در تحقیقات بعدی اصل تفرید رسیدگی به مراحل قبل از رسیدگی، یعنی مرحله ی تحقیقات نیز تسری پیدا کرد. به طوری که اکنون در مرحله ی تحقیقات دادسرا کاملاً به این اصل

توجه می شود. در قوانین آیین دادرسی کیفری و حمایت از اطفال و نوجوانان جدید نیز به این اصل توجه شده، و دادگاهها و دادرسی اختصاصی برای رسیدگی بزه کاری و بزه دیدگی اطفال و نوجوانان، در نظر گرفته شده است.

۴ - بزه دیده شناسی:

بزه دیده شناسی اصطلاحی هست که نخست توسط جرم شناسان اثبات گرا وارد علم جرم شناسی شد. جرم شناسان در ابتدا با رویکردی علت شناسانه، با مقصر دانستن بزه دیده به عنوان یکی از ارکان و کنشگران جرم، به مطالعه ی این اصلاح پرداختند، پس این دوره به نقش اثرگذار بزه دیده در فرایند رخداد جرم تمرکز می کرد. لذا در این دیدگاه چون خود بزه دیده به عنوان عامل علی در ارتکاب جرم نقش دارد قابل سرزنش است. پس این دوره به دوره ی سرزنش بزه دیده معروف است. اما دومین رویکرد نسبت به بزه دیده، جایگاه بزه دیده را در فرایند دادگری جنایی مطالعه می کند. از نظر علوم جنایی این رویکرد باید در چهارچوب بزه دیده شناسی حمایتی مفهوم سازی شود. از آنجا که بزه دیده شناسی حمایتی برعکس بزه دیده شناسی علت شناسانه، بر زیان و آسیبی که در قالب بزه دیدگی رخ می دهد، تمرکز می کند، بدین سان حمایت از بزه دیده با توجه به شکل های گوناگون این زیان و آسیب، جنبه های مختلفی به خود می گیرد. یکی دیگر از مطالعات مرتبط با بزه دیده شناسی، مطالعاتی است که در سالهای اخیر، درباره ی بزه دیدگی سایبری/رایانه ای یا همان بزه دیدگی از طریق فضای مجازی هست. در این نوع از بزه دیدگی، مطالعه ی بزه دیدگی برخط (آنلاین)، اثر و پیامدهای آن بر بزه دیده و پاسخ های و واکنش های جامعه ی رسمی یا غیر رسمی مد نظر است.

۵ - تشکیل پرونده ی شخصیت:

از دیگر مفاهیم و بازتابهای جرم شناسی مرتبط با حقوق کودکان و نوجوانان تشکیل پرونده ی شخصیت است. این مقرر برای بار نخست در جرم شناسی بالینی مطرح شد. در این دیدگاه تشکیل پرونده ی شخصیت برای بزه کاران و حتی متهمان ضرورت دارد. از جمله ی افرادی که تشکیل پرونده ی شخصیت نسبت به آنها لازم است، کودکان و نوجوانان هستند.

۳-۱-۶: نظریات:

هرچند که نظریات مطرح در جرم شناسی بیشتر به بزه کاری اشخاص مربوط می شوند اما با کمی تسامح می توان این نظریات را به بزه دیدگی نیز مرتبط ساخت. از جمله نظریات جرم شناسی که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و به طور کلی قانونگذاری در مورد بزه کاری یا بزه دیدگی این اشخاص از آن تأثیر پذیرفته، عبارتند از:

۱ - نظریات عمل گرا: این نظریات که در این مقاله، بیشتر بر سخت گیری و شدت عمل نسبت به مرتکبان جرم عیبه کودک یا نوجوان کاربرد دارد، در دهه های اخیر مطرح شده و معتقدند که انسانها با اختیار و گزینش آزادانه و محاسبه گری، جرم را مرتکب می شوند، لذا باید نسبت به آنها بدون تسامح و اغماض و به شدیدترین وجه، مجازات را اعمال نمود. طبق دیدگاه این نظریات حتی کوچکترین تخلف و جرم اشخاص نیز باید با واکنش مواجه شود. نظریه ی پنجره های شکسته را می توان نمونه ای از این نظریات در نظر گرفت، که ماحصل این نظریه عدم ارفاق و قطعیت و حتمیت مجازات نسبت به مجرم است. اما در مورد پیوند و نشأت گرفتن قانون حمایت از کودکان و نوجوانان از نظریات عمل گرا، با مطالعه و مذاقه در قانون فوق می توان

دریافت که محتوای این قانون بر سخت گیری و عدم ارفاق نسبت به والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی و سایر اشخاصی است که نسبت به کودک یا نوجوان مرتکب هر نوع جرم یا قصور یا سهل انگاری شوند، پس قانون مذکور با تأثر از نظریات عمل گرا در جرم‌شناسی، با توجه به شرایط ویژه کودکان و نوجوانان، هرگونه تخلف و سوءرفتار، سهل انگاری یا جرم را بدون هیچ اغمازی جرم انگاری کرده و کوچکترین تخلف مرتکب، با عکس العمل همراه خواهد بود.

۲ - نظریات مرتبط با واکنش اجتماعی

نظریات واکنش اجتماعی نظریاتی هستند که به بررسی نقش نظام عدالت کیفری و نهادهای متولی مبارزه با جرم و کنترل آن، در قبال انحراف اولیه و تکرار جرم، از طریق برچسب زنی و در نهایت، تکوین انحراف ثانویه و پایداری بزهکاری پرداخته اند. نظریات واکنش اجتماعی نظریاتی هستند که علت وقوع جرم توسط مرتکب جرم و مُسَبَّب اصلی وقوع جرم را فرایند قانونگذاری، جرم انگاری و اجرای قانون توسط دولتها می دانند، طبق این نظریات آگه شخصی در ورطه ی جرم گرفتاری می شود به علت برچسبی است که از طریق عمال قانون به آنها زده می شود. به طور کلی نظریات واکنش اجتماعی، قانونگذاری و اعمال قانون را در بسیاری از زمینه ها و همچنین ایجاد تورم کیفری را، از عوامل اصلی ارتکاب جرم توسط مرتکب می دانند. پس این نظریات به نوعی مرتکب جرم را بزه دیده و قربانی سیاست گذاری دولتها در زمینه ی جرم انگاری بی حد و حصر در تمام زمینه ها، اعمال مجازات بر علیه مرتکب حتی با یک اشتباه کوچک و برچسب زدن . بدنام کردن او می دانند. از طرفی مطالعات این نظریه پردازان منجر به دیدگاهی به نام **بزه دیده شناسی حمایتی** گردید، همان طور که در مباحث قبل معروض گردید، منظور از بزه دیده شناسی حمایتی، حمایت همه جانبه از بزه دیدگان و جبران خسارت مادی و معنوی آنهاست. این دیدگاه منتج به عدالت ترمیمی گردید، که در آن طرفین جرم برای حل اختلاف ناشی از جرم و ترمیم و جبران خسارت و تشفی خاطر زیان دیده از جرم در کنار هم گرد می آیند و به دنبال راهی برای اعاده ی وضع به حال سابق تلاش می کنند.

۳ - نظریات مرتبط با بزه دیدگی از طریق فضای مجازی یا سایبری:

یکی دیگر از نظریات جدید جرم‌شناسی که به نوعی با موضوع این تحقیق مرتبط هست، نظریات جدیدی در جرم‌شناسی هست که به بزه دیده شدن اشخاص و ترجیحاً کودکان و نوجوانان از طریق فضای مجازی مرتبط هست. در این نوع از نظریات مطالعات معطوف به هر نوع سوء استفاده از اشخاص و یا ارتکاب جرم علیه آنان در فضای مجازی است.

۴ - نظریاتی که به نوعی به طور غیر مستقیم با بزه دیدگی اشخاص و بالاخص بزه دیدگی کودکان و نوجوانان مرتبط هستند: از دیگر نظریاتی که تا حدودی با بزه دیدگی اشخاص و از جمله کودکان و نوجوانان مرتبط هستند، می توان به نظریات فرهنگی، انتقادی، خرده فرهنگی و رشد نگر اشاره نمود. درست است که، این نظریات برای تبیین علت بزه کاری اشخاص به کار می روند، اما با بررسی دقیق این نظریات، شمه ای از مطالعات بزه دیدگی و ارتباط با بزه دیده شدن اشخاص را می توان در آنها یافت. به فرض مثال نظریات انتقادی از جمله نظریه ی رادیکال، همه ی مرتکبان را به نوعی بزه دیده ی سیاستهای قانونگذاری می داند. یا نظریات خرده فرهنگی همانطور که به مطالعه ی خرده فرهنگی مجرمانه و علل بروز زمینه های آن می پردازند، مطالعات این نظریات به نوعی به علل بزه دیده شدن نیز مرتبط است.

۲-۱-۶ تطبیق مواد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با یافته‌ها و نظریات جرم‌شناسی:

با بررسی و تحلیل مواد قانونی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و مقایسه‌ی آن با یافته‌ها و نظریات جرم‌شناسی، متوجه می‌شویم که قانون مذکور در خیلی از موارد از یافته‌های جرم‌شناسی تأسی جسته و در برخی موارد نیز با آن تناقضاتی دارد.

قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان به حمایت ویژه از اطفال و نوجوانان پرداخته است. قانون مذکور به دو صورت از یافته‌های جرم‌شناسی متأثر شده و استفاده کرده است:

الف - نسبت به طفل یا نوجوان: در این قانون با توجه به حمایتی بودن آن نسبت به طفل یا نوجوان، استفاده‌ی مناسب و قابل توجهی از یافته‌ها و نظریات جرم‌شناسی شده است. **از جمله‌ی این موارد:**

۱- اشاره به وضعیت مخاطره‌آمیز طفل یا نوجوان در ماده ۳ این قانون که موجب مداخله و حمایت قانونی مقامات و نهادهای صالح خواهد بود. یا اشاره به خطر شدید و قریب‌الوقوع در ماده ۱۷ که فرد مطلع یا مشاهده‌کننده را مکلف به اطلاع‌رسانی به مقامات صالح و یا موظف به دخالت و ممانعت از وقوع جرم کرده است.

۲- دخیل نمودن نهادهای غیرکیفری در حمایت از طفل یا نوجوان: در قانون مذکور علاوه بر نهادهای عدالت کیفری، نهادهای غیرکیفری نیز مکلف به حمایت قانونی از طفل یا نوجوان بوده و بایستی به موقع و در سریع‌ترین زمان ممکن وظایف محوله را انجام دهند.

۳- استفاده از ظرفیت مددکاران اجتماعی جهت تحقیق و ارزیابی وضعیت جسمی، روانی و روحی وی یا وضعیت خانوادگی و محل سکونت او جهت تشکیل پرونده شخصیت

۴- اشاره محدود به پیشگیری از وقوع جرم توسط مددکاران اجتماعی بهزیستی و یا ضابطان دادگستری در مواقعی که خطر شدید و قریب‌الوقوعی طفل یا نوجوان را تهدید می‌کند.

۵- اما مهم‌ترین جنبه‌ی جرم‌شناختی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان جدید، توجه خاص به بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است. به‌طوری‌که می‌توان گفت این قانون تمام توجه خود را به مقوله‌ی بزه‌دیده معطوف نموده است. و موضوع اصلی آن حمایت از بزه‌دیده است. البته مباحث آن مربوط به بزه‌دیده‌ی خاصی به نام طفل یا نوجوان است. طبق این قانون تمامی سازمان‌ها و نهادهای مربوطه مکلف به حمایت ویژه از طفل یا نوجوان بزه‌دیده، یا طفل یا نوجوانی که احتمال بزه‌دیدگی او می‌رود، می‌باشند. در قانون مذکور طفل یا نوجوان حمایت شده، یا بزه‌دیده واقع شده و یا با توجه به قرائن و امارات به احتمال زیاد نسبت به او جرمی اتفاق خواهد افتاد و یا سوء استفاده‌ای از او خواهد شد و یا حتی نسبت به او سهل‌انگاری، سوء رفتار و قصوری اتفاق خواهد افتاد.

در ضمن در این قانون نسبت به طفل یا نوجوان بزه‌دیده درخواست جبران خسارت و ترمیم آلام وارده طبق ماده ۳۷ این قانون در نظر گرفته شده است.

۶- یکی دیگر از تأثرات قانون فوق‌الاشاره از نظریات و یافته‌های جرم‌شناسی، ورود به مقوله‌ی خشونت در این مبحث است. خشونت یکی از اصلاحاتی است که در جرم‌شناسی زیاد به آن توجه شده و نظریاتی نیز در این مورد ارائه شده است. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان خشونت مستمر والدین و اولیاء و سرپرستان چه نسبت به طفل یا نوجوان و چه نسبت به یکدیگر، طبق بند (ج) ماده ۳، وضعیت مخاطره‌آمیز تشخیص داده شده و مداخله و حمایت قانونی را در پی دارد.

ب- نسبت به والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا هر شخص دیگری که مرتکب سوء رفتار، سهل‌انگاری، سوء استفاده با جرائم مذکور در این قانون نسبت به طفل یا نوجوان شوند.

در قانون مذکور با توجه به این‌که دیدگاهی مراقبتی و حمایتی نسبت به اطفال و نوجوانان داشته، لذا سخت‌گیری زیادی نسبت به مرتکب یا مقصر این جرائم، سهل‌انگار یا سوء استفاده‌کننده شده است.

از جمله تأثیرات یافته‌ها و نظریات جرم‌شناسی در این قانون نسبت به مرتکبین و مقصرین عبارتند از:

- ۱- جرم‌انگاری وسیع و گسترده نسبت به این افراد: در قانون مذکور هرگونه سوء استفاده، سهل‌انگاری، کوتاهی و مخاطره‌آمیزی موجب مداخله‌ی نهادهای حمایتی خواهد شد. به نظر می‌رسد که مقنن در این مورد از بعضی از نظریات جدید جرم‌شناسی چون جرم‌شناسی عمل‌تأسی جسته است که هر عملی را که خلاف مصلحت طفل یا نوجوان باشد را جرم‌انگاری کرده است.
- ۲- عدم اغماض و تسامح با فرد مرتکب یا مقصر یا سهل‌انگار: همانطور که در مبحث فوق‌الذکر معروض گردید، در قانون حمایت از اطفال و نوجوان ضمن تأثر از نظریات جدیدی چون نظریه‌ی عمل یا نظریه پنجره‌های شکسته هرگونه اغماض و چشم‌پوشی از فرد مرتکب یا سهل‌انگار ممنوع بوده و حتی در برخی مجازات‌های تشدید می‌شود. در این قانون هیچ‌گونه تخفیف، عفو یا تعلیقی نسبت به شخص مرتکب، سوء استفاده‌کننده یا سهل‌انگار در نظر گرفته نشده است.

۳-۱-۶: عدم تطبیق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با یافته‌ها و نظریات جرم‌شناسی در برخی موارد:

با مطالعه‌ی جامع و کامل تمامی مواد قانون مذکور در برخی موارد تناقضاتی با برخی از نظریات و یافته‌های جرم‌شناسی می‌توان دید، از جمله:

- ۱- بی‌توجهی به سیاست کاهش مجازات حبس و جرم‌زدایی: با توجه به حمایتی بودن قانون فوق به نظر می‌رسد که مقنن توجهی به سیاست جنایی جدید، که راهبرد کاهش حبس و جرم‌زدایی و قضازدایی را دنبال می‌کند نداشته و بیشترین جرم‌انگاری را نسبت به مرتکبین و سهل‌انگاران یا مقصرین داشته است.

- ۲- عدم توجه کافی به مقوله‌ی پیشگیری از جرم و پیشگیری از بزه‌دیدگی: در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان هر چند قانون‌گذار در برخی موارد، از جمله در ماده ۳۳ به طور محدود به مقوله‌ی پیشگیری توجه داشته و به آن اشاره کرده است، اما با توجه به این‌که اصطلاح پیشگیری یکی از مباحث مهم و کاربردی جرم‌شناسی، برای بازداشتن بزه‌کار از ارتکاب جرم و ممانعت بزه‌دیدگی برای رفتار شدن در ورطه‌ی بزه‌دیدگی است، لذا به نظر می‌رسد که توجه به آن بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

همان‌گونه که مقوله پیشگیری از وقوع جرم ضروری است، پیشگیری از بزه‌دیدگی واقع شدن نیز لازم است. پیشگیری زودرس یا رشدمدار هم در ممانعت از وقوع جرم توسط کودک یا نوجوان مؤثر است و هم از بزه‌دیدگی شدن کودک یا نوجوان جلوگیری می‌کند.

در پیشگیری زودرس یا رشدمدار با دخالت در مراحل مختلف رشد کودک و سنین متفاوت او، و شناخت ضعف‌ها و کاستی‌های او، می‌توان از بزه‌دیدگی او ممانعت بعمل آورد.

در پیشگیری اجتماعی، می‌توان با برنامه‌ریزی مدون فرهنگی، مالی، آگاهی‌بخشی و توان‌بخشی به خانواده‌ها و مراقبت در مدارس از بزه‌دیده شدن کودک یا نوجوان جلوگیری کرد.

در پیشگیری موقعیت‌مدار می‌توان با دخالت در وضعیت‌ها و موقعیت‌های مسبب ارتکاب جرم، از وقوع جرم پیشگیری کرد. در این مواقع با دخل و تصرف در آماج جرم، گرفتن فرصت ارتکاب جرم و بالا بردن هزینه‌ی ارتکاب جرم برای مرتکب، از بزه‌دیده شدن کودک یا نوجوان جلوگیری می‌شود.

۲-۶: مقایسه و ارزیابی تطبیقی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۱ با اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک و نوجوان

حقوق کودک شاخه‌ای جدید و یکی از موارد مورد تأکید اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به شمار می‌رود که با توجه به اهمیت آن و نیز استلزامات و اقتضانات دوره‌ی کودکی، مورد توجه خاص قرار گرفته است.

پیشینه‌ی توجه به حقوق کودک در عرصه‌ی بین‌المللی به دوران پس از جنگ جهانی اول باز می‌گردد. در ۱۹۲۴ جامعه‌ی ملل اعلامیه‌ی پنج ماده‌ای را به نام اعلامیه‌ی حقوق کودک، به تصویب رساند. ولی در پی تضييع گسترده و غیرقابل توصیف حقوق کودکان، به ویژه در جنگ جهانی دوم، قطعنامه‌ای که پیش‌نویس آن را کمیسیون حقوق بشر تهیه کرده بود، در اجلاس ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ در مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان (اعلامیه‌ی حقوق کودک)، ۱۹۵۹ به تصویب رسید. این اعلامیه، تا حدودی وضع حقوق کودکان را در جهان بهبود بخشید. اما این اعلامیه در بعضی زمینه‌ها با اشکالاتی مواجه بود. از طرفی این اعلامیه همه‌ی جنبه‌های حقوق کودکان را پوشش نداده بود و در بسیاری از زمینه‌ها خلاهای قانونی وجود داشت. اما ایراد دیگر این اعلامیه این بود که مفاد اعلامیه بیشتر پیشنهادی بود و برای کشورها الزام‌آور نبود.

از طرفی سازمان ملل در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اعلام نمود که دوران کودکی مستلزم مراقبت‌ها و مساعدت‌های ویژه است و با توجه به این‌که کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می‌بایست در محیط خانواده و در فضایی مملو از محبت و تفاهم بزرگ شود و آمادگی کامل برای زندگی فردی در جامعه را داشته و در سایه‌ی ایده‌آل‌هایی که در منشور سازمان ملل اعلام شده، خصوصاً صلح، احترام، بردباری، آزادی، برابری و اتحاد بزرگ شود لذا به نظر می‌رسد که اسناد بین‌المللی حقوق بشر توجه خاصی به حقوق کودک و نوجوان داشته است.

بعد از بررسی پیشینه‌ی تقنینی در اسناد حقوق بشری نسبت به کودک، در این مبحث به برخی از مواد تقنینی اسناد بین‌المللی حقوق کودک و نوجوان و مقایسه‌ی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با آن خواهیم پرداخت.

در اعلامیه‌ی حقوق کودک ژنو ۱۹۲۴ به لزوم انجام مراقبت ویژه از کودک اشاره شده، در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خصوصاً در مواد ۲۳ و ۲۴ آن و در کنوانسیون بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خصوصاً در ماده ۱۰ آن و همچنین اسناد بین‌المللی دیگر، توجه به رفاه کودک به رسمیت شناخته شده است.

در ماده‌ی ۵ کنوانسیون چهارم ژنو که مرتبط با جنگ است، اظهار می‌دارد که دولت اشغالگر با کمک مقامات محلی و ملی موجب تسهیل حسن اداره‌ی موسسات پرستاری و تربیت اطفال را فراهم کرده و اقدامات لازم جهت تعیین هویت و ثبت نسب اطفال را انجام دهد.

پروتکل های الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ی ژنو نیز توجهات خاصی به وضعیت کودکان داشته اند. در پروتکل های مذکور تأکید شده است که کودکان می بایست مورد احترام خاصی قرار گیرند و در برابر هر شکل از رفتارهای غیر محترمانه حمایت شوند.

با مطالعه ی اسناد بین المللی دیگر متوجه می شویم که، به حقوق کودکان از جمله: حق آموزش، حق انتخاب محتوی آموزش، حق آموزش مرتبط با سلامت، احترام به کرامت کودکان، رفاه کودکان، تامین امنیت جسمی، روحی و روانی آنها، حق آزادی بیان و عقیده تاکید فراوانی شده است.

همچنین یکی از مباحث در سطح نظام حقوق کودک، مسأله ی حق کودک بر حفاظت در برابر رفتارهای آزار دهنده است. بدین وصف کودک آزاری به عنوان هرگونه رفتاری که منجر به لطمه و صدمه به تمامیت و سلامت جسمانی، روانی و عاطفی کودکان گردیده یا در فرایند رشد ایشان در ابعاد فردی و اجتماعی ایجاد اختلال می نماید. حفاظت از اطفال در برابر صدمات و لطمات یاد شده و نیز تلاش در جهت اعاده ی کودکان صدمه دیده به اجتماع و روند معمول زندگی، امری است که هم در اسناد بین المللی و هم اسناد منطقه ای مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

اما مهم ترین سند بین المللی که در مورد کودکان تصویب شده، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۳ نوامبر ۱۹۸۹ می باشد. این سند بسیار جامع و کامل بوده و به تمام حقوق افراد زیر ۱۸ سال توجه ویژه داشته است.

برای پرهیز از اطاله ی کلام، اهم حقوقی که کنوانسیون حقوق کودک برای افراد زیر ۱۸ سال اشاره داشته اختصاراً اشاره می شود: رعایت تمامی موارد زیر توسط کشورهای طرف کمیسیون الزامی است.

- تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، تضمین حقوق کودک بدون توجه به رنگ، نژاد، مذهب یا عقاید والدین، حمایت و مراقبت از رفاه کودکان، به رسمیت شناختن حق ذاتی کودک، ثبت تولد کودک و حق داشتن نام و کسب تابعیت، هویت و ملیت، منع هرگونه تبعیض، تعهدات والدین، منع جدایی کودکان از والدین مگر در شرایط مشخص و به موجب قانون، جرم انگاری قاچاق کودکان، آزادی بیان، آزادی فکر، عقیده و مذهب، آزادی تشکل ها و اجتماعات مسالمت آمیز، منع خشونت، مجازات و محدودیت مناسب برای والدین ناقض حقوق کودکان، توجه ویژه به کودکان دارای نقص عضو و ناتوان ذهنی، حق بر آموزش و محتوای مناسب آموزشی، حق برخورداری از فرهنگ متمایز، منع تمام اشکال استثمار اعم از اقتصادی و جنسی، منع استفاده غیرقانونی از مواد مخدر و منع شکنجه.

با ارزیابی و تطبیق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با اسناد بین المللی حقوق کودک و نوجوان و به ویژه کنوانسیون حقوق کودک، متوجه می شویم که قانون مذکور در بسیاری از موارد با اسناد بین المللی و کنوانسیون مذکور تطابق داشته و به نوعی متناظر است، اما در برخی موارد نیز با اسناد فوق و مقرره های این کنوانسیون هم راستا نیست.

به فرض مثال از جمله مقرره های اسناد بین المللی حقوق کودک و از جمله کنوانسیون حقوق کودک که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان درج شد، عبارتند از: منع خشونت، رعایت حقوق کودکان ناتوان ذهنی، مجازات و محدودیت مناسب برای والدین ناقض حقوق، منع تمام اشکال استثمار اعم از اقتصادی و جنسی، حق کودک بر آموزش و تحصیل، منع استفاده غیرقانونی از مواد مخدر، منع شکنجه، جرم انگاری قاچاق کودکان، تعهدات والدین، ثبت تولد کودک.

اما برخی از مقرره های کنوانسیون که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مورد توجه واقع نشده عبارتند از: منع تبعیض، آزادی فکر، عقیده و آزادی بیان، منع اعدام های فراقانونی، حق برخورداری از فرهنگ متمایز، حق بر تفریح، بازی و شادی، منع

کودک سرباز و عدم توجه کافی به رفاه کودکان و چند مقرره‌ی دیگر که در قانون مذکور مغفول مانده است. (شفیعی، زهره، ۱۴۰۰)

با مقایسه و ارزیابی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و مقایسه‌ی آن با اسناد بین‌المللی حقوق کودک و به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک، به‌خوبی متوجه می‌شویم که قانون ذکر شده در بسیاری از جهات با اسناد و پیمان‌نامه‌های مطروحه هم‌پوشانی داشته و در راستای همگرایی با این اسناد گام‌های مهم و اساسی برداشته است. البته در برخی موارد نیز با اسناد فوق تناقضاتی دارد که بایستی مرتفع گردد.

۷- نتیجه:

با تحلیل و بررسی و تدقیق در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ متوجه می‌شویم که این قانون یکی از ارزشمندترین و بروزترین قوانینی است که، تاکنون در قوانین کیفری ایران، در زمینه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان تدوین شده است. با مقایسه‌ی این قانون با قوانین پیشین مرتبط با کودکان و نوجوانان مبرهن است که، در قوانین قبلی نواقص و معایب فراوانی در زمینه‌ی حمایت تام و کامل از این اشخاص در مقابل جرایم روز افزون و متنوع و متفاوتی که در سالیان اخیر نسبت به آنها انجام شده، وجود داشت، لذا قانونگذار ضرورت را در آن دید که، به علت وجود خلاهای موجود نسبت به حمایت همه‌جانبه و کامل از کودکان و نوجوانان دست به تقنین و قانونگذاری بزند، تا بتواند تمام نواقص و کاستیهای قوانین موجود را رفع کند. قانون جدید مذکور ابتکارات و مزیت‌های فراوانی داشته که در این مبحث مورد بررسی قرار گرفته است.

با تحلیل و ارزیابی و مطالعه‌ی تطبیقی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با یافته‌ها و نظریات جرم‌شناسی، متوجه می‌شویم که قانون فوق‌الاشعار در بسیاری از زمینه‌ها از جمله: دخیل نمودن نهادهای غیرکیفری در پروسه‌ی حمایت و مراقبت از طفل یا نوجوان، توجه ویژه به وضعیت‌ها و موقعیت‌های خطرناک و مخاطره‌آمیز، ورود به مقوله خشونت، توجه خاص به بزه‌دیدگان شناسی حمایتی و موارد دیگر، کاملاً با یافته‌های علم جرم‌شناسی همگرایی و مطابقت داشته و از آن تأسی جسته است. ضمن این‌که این قانون در برخی موارد چون: عدم توجه کافی به پیشگیری از بزه‌دیدگی یا جرم‌انگاری وسیع نسبت به اولیاء و سرپرستان و اشخاص دیگر، با بعضی از راهبردهای جرم‌شناسی چون اصلاح بزه‌کار مغایرت دارد.

از طرفی با مقایسه‌ی قانون مذکور با اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک از جمله کنوانسیون حقوق کودک و تعمیق و تحلیل در این مباحث، پی می‌بریم که قانون فوق‌الاشعار با بسیاری از مقرره‌های این اسناد و کنوانسیون از جمله منع خشونت، منع از اشکال استثمار اعم از اقتصادی و جنسی، حق آموزش و تحصیل، مجازات و محدودیت نسبت به والدین ناقض حقوق و موارد دیگر متناظر و متشابه بود. و در مواردی چون منع تبعیض، حق برخورداری از فرهنگ متمایز و منع بر اعدام‌های فراقانونی با اسناد فوق تعارض دارد.

به هر حال قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، جامع‌ترین و مترقی‌ترین سندی است که تاکنون نسبت به حقوق کودکان و نوجوانان مورد تقنین قرار گرفته و ضمن داشتن ابتکارات، نوآوری‌ها و محاسن فراوان، کاستی‌ها و اشکالاتی نیز دارد که بایستی مرتفع گردد.

منابع:

- ۱- تقی‌زاده زانوقی، مرتضی (۱۳۹۹)، نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، منبع فقه و حقوق نوین سال اول، پاییز شماره ۳
- ۲- نیکبختی، جواد و محمدنسل، غلامرضا گلپایگانی، بهروز (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در برابر هرزه‌نگاری و پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک، ویژه‌نامه حقوق شهروندی و حقوق بشر، ۱۳۹۹ دوره ۱۴
- ۳- نادری، مونیکا (۱۳۹۹)، نقدی بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، منتشره در مجله علمی تخصصی کنون وکلای مرکز، بهار ۱۳۹۹
- ۴- شفیعی، زهره (۱۴۰۰)، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گامی در جهت اجرای تعهدات بین‌المللی، تالار گفتگوی تخصصی حقوقی سیاسی و بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۴۰۰
- ۵- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۷)، درآمدی بر جرم‌شناسی، چاپ اول، پژوهش‌کنده‌ی تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- ۶- ادبی چرمی، علی و سهرابی، هدا (۱۳۹۷)، سیاست جنایی ایران در پیشگیری غیرکیفری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، اولین همایش ملی جهانی‌سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روان‌شناسی، مشهد.
- ۷- ونکی، احمدرضا (۱۳۹۸)، جلوه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری ایران، خرسندی، تهران
- ۸- روستایی، مهرانگیز و رحمانیان، حامد (۱۴۰۰)، مقاله‌ی مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۳
- ۹ - رایجیان، مهرداد (۱۳۹۰)، بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر
- ۱۰ - زهر، هُوارد (۱۳۸۳)، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه ی حسین غلامی، چاپ اول، انتشارات مجد
- ۱۱ - بلیغ، سوسن و دیگران (۱۳۸۳)، کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
- ۱۲ - مهدوی ثابت، محمد علی و عبد‌اللهی، سامان (۱۳۹۸)، سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال، فصلنامه ی علمی مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهاردهم، شماره ۵۱
- ۱۳ - مقیمی اینچه برون، مهین، ۱۳۹۹، رابطه ی قضازدایی با جرم زدایی و کیفرزدایی در دادرسی اطفال و نوجوانان، دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی، تهران
- ۱۵ - کُلکُوهن، ایان (۱۳۹۰)، طراحی عاری از جرم، ترجمه ی مهرداد رایجیان اصل و حمیدرضا عامری سیاهویی، چاپ دوم، بنیاد حقوقی میزان